

آموزه ها و اندوخته هایی از هشتم مارچ

بی نیاز از اثبات است که قشر زن از بدو پیدایش خویش تا اکنون در اکثر نقاط جهان با ظلم ها و اشکال گوناگون ستمهایی که بالای آن تحمیل گردیده است دست و پنجه نرم کرده و برای رهایی از ستم سالاری و دستیابی به حقوق خویش مبارزه میکند. در درازنای تاریخ دهها، صدها و هزاران زن قهرمان نامدار و گمنام کشور ما در راه آزادی و رهایی زنان از ستم قرون حماسه آفریده اند که تفصیل و ذکر نام آنها درین نگاره مختصر نمی گنجد.

این یک واقعت است که هشتم مارچ بمثابه روز فرخنده و تاریخی بوده و تجلیل از آن یاد آور روزهای مبارزه و قربانی دهها و صدها زن بخاطر آزادی و رهایی از اسارت میباشد، هشتم مارچ روز پیکار زنان علیه ستم سرمایه، بی حقوقی و بیعدالتی، روز عقد پیمان مشترک زنان بخاطر کسب حقوق، روز ندای برابری حقوق زنان با مردان، روز مبارزه بخاطر مزد مساوی در برابر کار مساوی، روز شناسایی هویت و شخصیت زنان، همچنان هشتم مارچ یعنی ندای صلح و آزادی و پیروزی بر جنگ و انواع ستم و خشونت علیه زنان و بلاخره هشتم مارچ درس های عظیم جنبش و مبارزه برای آزادی و بدست آوردن حقوق زنان.

بدون شک این روز فرخنده و تاریخی هم از نظر قدامت و هم بدلیل مرحله آغازین جنبش زنان، بیانگر ارزشها و افتخارات عظیم در تاریخ مبارزات زنان محسوب میگردد.

یقینا در آستانه این روز خجسته عده زیادی از قلم بدستان آزاده عمدتا مردها پیرامون هشتم مارچ که بنام روز بین المللی زنان یاد میشود مقالات ارزشمند، مضامین پرمحتوا و اشعار زیبای شان نگاره و کاغذ گردیده و صفحات سایت ها مزین به آن. و این روز فرخنده را زنان و مردان با برپایی مجالس، محافل و میتنگ ها به تجلیل میگیرند.

و در پای مراسم با صدور قطعنامه ها، اعلامیه ها، و ابراز تعهدات و تجدید پیمان بخاطر ادامه مبارزه دستجمعی و مشترک تا رهایی کامل زنان از اسارت قرون و وظایف جدید را در مقابل خود قرار داده و به اجرای آن متعهد میشوند.

تا اینجا یک آغاز خوب آنهم در آستانه هشتم مارچ. برای تجلیل و برپایی، برای قدر دانی و تقدیر از قشر رنج دیده زن، و بلاخره برای ابراز همبستگی و اظهار همدردی با زنان بخاطر رهایی آنها از رنجهای بیکران و تاریخی شان. اما طوریکه دیده میشود پس از چند روزی،

نوشت وخوان ها ،تعهدات ورسالت ها ، ودرسهای عظیم هشتم مارچ اکثرا به باد فراموشی سپرده وبه طاق نسیان گذاشته میشود .گویا که وظایف همه وهمه ختم شده پنداشته میشود . پس سوال اینجاست که آیا درسهها وارزشهای تاریخی هشتم مارچ فقط منحصر بیک است که آنهم بصورت تکراری و در روز نشانی شدهء تاریخ در هرسال یکبار برپا میشود . پس از آن منتظر فرارسی سال دیگر هما نند اعیاد وروز های نو روز .

در حالیکه ظلمها وستمگری هایی را که به این قشر ستمکش ومحروم روا داشته اند و در طول تاریخ بالای زنان تحمیل گردیده است همچنان با خشونت بی پایان ادامه دارد واین زن است که علاوه بر محرومیت ها ازحقوق حقهء شان وکمترین دسترسی به شرایط ابتدایی زندگی متئاسفانه دستخوش حوادث جانکاه گردیده که در اثر آن گاهی کشته میشود وگاهی مجبور به خود کشی.

پس نتایج جنبش زن ، آموزه ها واندوخته های آن چیست ؟

درسههای آزادی خواهانه ء هشتم مارچ بکجا رسیده است ؟

سهام دستجمعی ومشترک زنان در مبارزه بخاطر آرمانهای والای زنان کشور چگونه ایفا میشود

؟ آیا همه زنان ،نیمی اززنان ویا فقط چندتا فرهیخته زن متعهد ومسئول ؟

کار پرثمر قلم ها ،سایت ها ومحافل در رابطه به مبارزات حق خواهانهء زنان به چه منوال است؟

تامین وتداوم خدمات فرهنگی در میان زنان چگونه صورت میپذیرد ؟

ایجاد روابط زنان مهاجر افغانستان در خارج ، با زنان رنجدیدهء داخل کشور چه گونه تامین

میگردد .

پشتیبانی وهمکاری جنبش زنان افغانستان در اروپا از زنان رنجدیدهء کشور به چه شکل ادامه

دارد ؟

مسئله آموزش کلتور وفرهنگ وطنی وبخصوص موضوع زبان مادری در میان کودکان فامیل

های مهاجر چگونه راه حل خود را پیدا میکند .

مسئله تبلیغات در میان دختران جوان بخاطر جلب وجذب این نسل بالنده در صفوف سازمان

یا شورای زنان چقدر اثرمند است؟

در طول دهها سال یعنی نزدیک به بیست سال فعالیت های برونمرزی شورا های زنان چند تا

دختر جوان در صفوف شورای شان تنظیم وتشکل یافته است

آیا دختران جوان یعنی فرزندان رفقای حزبی ، روشنفکر ورسالتمند همه در صفوف سازمان

های زنان متشکل گردیده اند ؟

میزان کمک های مالی و اقتصادی شورای زنان افغانستان مقیم اروپا به زنان فقیر و مستمند داخل کشور بکدام اندازه رشد یافته است .

همصدایی زنان رنج دیده ء کشور با جنبش های سراسری زنان جهان در چه سطح قرار دارد ؟
صدا و ندای زنان کشور ما تا چه حد توجه جامعه ء جهانی یا نهاد های بین المللی را به خود جلب کرده است ؟

البته این وظایفی است که بشکل سوالگونه مطرح گردیده و در تمام سال به اجرای آن مکلف خواهیم بود .

بدون شک هستند فرهیخته زنان اندیشمند ، دانا و متعهد که رسالت داد خواهانهء شان را هم بصورت دسته جمعی و هم بصورت فردی در برابر تاریخ و مردم خویش بشکل هدفمندانه و دلسوزانه انجام میدهند که پاسخ مثبتی بر سوالات ارایه شده ء فوق میباشد . که بعضا در گذارشات شورای زنان واضح گردیده و در مجله ها و سایت ها نیز به نشر میرسد که قابل افتخار است .

ولی بیایید با یک دید گاه وسیع تر و برخورد جدی تر باید به این مسئله نگاه کرد که آیا تمام فعالیتهای انجام شده درشورا های ما که نیمی بیشترین فعالیت ها با همکاری مستقیم مردان که همکاری و مواظبت ایشان قابل قدر و ستایش است صورت میگیرد پاسخگوی نیاز مندی زمان ما در امر مبارزه بخاطر رهایی زن از زنجیره های پیچیده ء تاریخ است ؟ که نه

پس چرا همه تلاش ها و تپش ها ، تجلیل ها و تعهد ها فقط در آستانه ء هشتم مارچ و پس از آن این گونه فعالیتهای همانند ایام عید و نوروز تا سال دیگر یا الله و یا نصیب به حاشیه میرود .

پس بیایید دوستانه و دلسوزانه برای دریافت پاسخ عملی برای این سوالها و صدها سوال تاریخی ء دیگر وضعیت زن در افغانستان را بیشتر از پیش مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده و راهای عملی رهایی زنان را در مبارزه ء قانونمند و هدفمند ، منظم و متشکل ، یکپارچه و پیگیر جستجو کنیم .
و تا رسیدن زنان به آزادی عام و تام و تامین کامل حقوق زنان رنج دیدهء ، پرچم مبارزه را برافراشته نگهداشته و تا پای جان به مبارزه دستجمعی و مشترک بدور سازمان پرافتخار زنان و شورا های سرتاسری آن مبارزهء هدفمند داد خواهانهء را ادامه دهیم تا صلح بر جنگ ، صمیمیت بر خشونت ، عدالت بر شرارت پیروز گردد .

درین صورت ما خواهیم توانست از هشتم مارچ بطور شایسته تجلیل بعمل آوریم .
در حالیکه هشتم مارچ را به پیشگاه فرهیخته زنان مبارز ، آگاه و پیشرو در آستانه مادر معنوی مردم شریف و آزاده افغانستان و بنیانگذار سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ، دکتورس اناهیتا

راتب زاد ، مادر گرامی محترمه محبوبه کارمل وبانوی فرهیخته جمیله جان ناهید وسایر زنان مبارز وروشنگر ،ترقی خواه وعدالت گستر تبریک وتهنیت گفته و برای زنان رنجدیده ء کشور ما آرامی ،سعادت وموفقیت آرزو میکنم .